

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۳ اگست ۲۰۱۹

سودان قربانی منافع امپریالیسم و ارتجاع

از سال‌های پایانی قرن ۱۹، انگلستان جهت سلطه بر سودان، به ویژه منطقه نفت‌خیز جنوب این کشور، خیز برداشت و به آنجا لشکر کشید و عملاً این کشور را تا سال ۱۹۵۶ تحت استعمار خود داشت. تا این که سودان استقلال خود را در آن سال بازیافت، اما تخم نفاق‌پاشی کشورهای امپریالیستی میان سودان شمالی (مسلمان‌نشین) و سودان جنوبی (حدود نیمی مسیحی‌نشین) باعث درگیری‌های خونین میان آنان گشت، که قریب به ۳۵ سال به طول انجامید و بیش از ۲ میلیون کشته و ۴ میلیون آواره به جای گذارد. تا بالاخره پس از یک همه‌پرسی در سال ۲۰۱۱ سودان جنوبی به عنوان یک کشور جدید افریقائی از سودان شمالی با برنامه امپریالیستها جدا شد و به مثابه صد و پنجاه و چهارمین کشور افریقائی به رسمیت شناخته شد. هم ایالات متحده آمریکا، هم اروپا هر یک با طمع و اهداف خویش با این تجزیه توافق داشتند و در آن نقش ایفاء کردند، زیرا بوی نفت سودان جنوبی هوش از سرشان ربوده بود! آنها از روی کار آمدن یک دیکتاتوری عملاً نظامی در جنوب حمایت کردند. سودان قبل از جدائی جنوب یکی از بزرگترین کشورهای افریقائی به شمار می‌آمد. از زمان استقلال به بعد تغییر حکومت فقط از راه کودتا میسر گشته است.

«عمرالبشیر» در سودان شمالی هم در سال ۱۹۸۹ با یک کودتای نظامی علیه دولت ائتلافی و اسلامی «الصادق المهدی» و رئیس «حزب الامه» قدرت را به دست گرفت. از طرفی دو گروه شورشی مسلح، یکی «جنبش آزادی‌بخش سودان» SLM و دیگری «جنبش عدالت و برابری» JEM از سال ۲۰۰۳ مبارزه علیه «عمرالبشیر» را، که به سرکوب مردم غیر عرب مبادرت ورزیده بود، آغاز کردند. از آنجا که حکومت البشیر مطابق میل امپریالیسم غرب نبود، از سال ۲۰۰۵ نیز شورشیان اقلیت غیر عرب دارفو، در منطقه دارفو در غرب سودان، با تحریک آنها علیه حکومت مرکزی سر به شورش برداشتند. در بدو امر تجزیه سودان از طریق منطقه دارفو یکی از برنامه‌های امپریالیسم غرب بود که در برابر مقاومت دولت چین در سودان با شکست روبه رو شد. از همین جهت وجدانهای امپریالیستی به‌مرد آمد و با حکم دادگاه کیفری غیر عادلانه لاهه، پرونده جنایت علیه بشریت را برای البشیر تنظیم کردند تا راه تجاوز به سودان را بگشایند.

در عین حال جنگ در کوه‌های «نوبه» که از آن به مثابه «جنگ فراموش شده سودان» یاد می‌کنند، با تجزیه سودان شمالی و جنوبی آغاز گشت. این جنگها از زمان استقلال سودان با دخالت امپریالیسم انگلستان آغاز شد. بهانه تبلیغاتی امپریالیستی همان بهانه جنگ مذاهب بود. این بار نه جنگ میان مسلمانان، بلکه جنگ میان مسلمانان به ضد مسیحیان یعنی بر خورد فرهنگها طرح می‌شد. ولی واقعیت این است که تنها نیمی از مردم افریقائی جنوب سودان مسیحی هستند و

نیم دیگر مخلوطی از مسلمانان و مذاهب بدوی می‌باشند. این منطقه نفتخیز با یاری امپریالیسم انگلستان در دست شورشیان "مسیحی" قرار داشت. آنها خواهان داشتن خودمختاری و تجزیه سودان نفت خیز بودند. اما «عمرالبشیر»، دیکتاتور با پس‌گرفتن این منطقه بارها اقدام به بمباران غیرنظامیان، کودکان و زنان، بیمارستان‌ها و مدارس کرده و به خواستهای مردم جنوب توجهی نکرد. این امر مورد اعتراض سازمان‌های حقوق بشر قرار گرفت. ولی این سازمانهای حقوق بشر دست در دست امپریالیستها، در تلاش تجزیه سودان بودند و بر کشتار مسلمانان که آنها نیز بشر اند، جایی که منافع آنها ایجاب می‌کرد، چشم می‌پوشاندند.

سودان شمالی با ۴۳ میلیون جمعیت در بحران اقتصادی عمیقی، به ویژه از بعد از ۲۰۱۱ با از دست‌دادن نفت جنوب، که منجر به کاهش سه‌چهارم منابع نفتی‌اش گشته است، گرفتار آمده است. ولی سودان جنوبی نیز که گرفتار درگیریهای خانمان برانداز است و این جنگ که میان مسیحیان با مسیحیان درگرفته است که به کشتار مردم غیرنظامی و کودکان مشغول اند، برای اخبار منابع امپریالیستی زیاد مورد علاقه نیست. کسی در جنوب سودان از کشتار و نسل‌کشی صحبت نمی‌کند. سودان جنوبی به علت فقدان زیرساختها، عدم دسترسی به بحر، برای انتقال نفت باید به لوله‌های انتقال نفت از سودان شمالی برای استفاده چشم بدوزد که هم منجر به پرداخت کرایه سنگین می‌گردد و هم ریش و قیچی را به دست سودان شمالی می‌دهد.

از ۱۹ دسمبر سال گذشته، از زمانی که مردم سودان شمالی به علت گرانی، کمبود نان و افزایش بهای سوخت و به طور کلی به علت اوضاع نابسامان معیشتی به کف خیابان آمدند، اولین شعارشان، «الشعب يريد اسقاط النظام» (ملت سقوط نظام را می‌خواهد) بود. «انجمن شاغلان سودان» - یا «شورای هماهنگی اتحادیه‌های صنفی مستقل» - سازماندهی و رهبری جنبش را به عهده داشت. از سوی دیگر حزب «الامه» و حزب «وحدت‌طلبان دموکراتیک» با پیوستن به «انجمن شاغلان سودان» مشترکاً در آغاز جنوری امسال «بیانیه آزادی و تغییر» را تنظیم و انتشار دادند. این نکته شایان ذکر است که در اعلامیه مذکور جنبش اعتراضی خواهان انتقال قدرت به یک دولت «غیر نظامی موقت» شد که می‌باید پس از گذشت ۴ سال شرایط را برای انجام انتخابات سراسری در سودان مهیا سازد.

در دوران خیزش و یورش مردمی، زنان سودانی به عنوان پیشگامان آن به شمار می‌آمدند. جنبش اعتراضی در برابر تلاش نظامیان برای کسب مجدد قدرت دست به تحصن در کمپ‌های چادر در مقابل مقر اصلی ارتش زد. تعداد متحصنان به ده‌ها هزار نفر می‌رسید. گرچه نیروهای چهارگانه ارتش، امنیت، اطلاعات و پولیس (اردوی سودان) ماه‌ها با نمایندگان مردم جهت تشکیل یک دولت موقت و تعیین زمان انتخابات مذاکره می‌کردند، به یک باره دست به اسلحه برده و کوشیدند با سرکوب خونین آنها را از صحنه خارج کنند. کمپ چادرنشینان متحصن به آتش کشیده شد و معترضان به گلوله بسته شدند. ارتش و متحدینش عملاً با یک کودتای ناگهانی در برابر جنبش اعتراضی مشی سرکوب را پیش گرفتند و تلاش کردند که شورش مردمی را، که از پایان سال گذشته میلادی آغاز گشته بود، خاموش سازند.

شورشیان، که مسیر خرطوم را مسدود کرده بودند، با سرکوب وحشیانه نیروهای نظامی مواجه شدند. تنها در یک روز ۳۵ نفر از معترضان جان باختند. مردم از ترس، یا خود به رود نیل می‌پریدند و یا سربازان آنها را به داخل رودخانه پرتاب می‌کردند. جمعاً ۱۳۵ نفر جان خود را از دست دادند. اما «حقوق‌بشر دوستان» «جامعه بین‌الملل» عملاً بر کشتار شورشیان توسط کودتاگران چشم بستند. برای مثال آقای «هایکو ماس»، وزیر خارجه آلمان، در این رابطه سکوت مطلق کرد و تنها سخنگوی دولت آلمان به طور صوری «خشونت» را محکوم کرد و از طرفین خواست که «به میز مذاکره بازگردند!» او از مردم سودان می‌خواهد که با حکومت کودتا، که با به آتش‌کشیدن چادرها مردم را به خاکستر تبدیل می‌کند، به زنان تجاوز می‌کند، مردم را به گلوله می‌بندد و یا به رودخانه پرتاب می‌کند و ... مذاکره کنند!

بالاخره شورای نظامی بعد از ۴ ماه با یک کودتای نظامی «عمرالبشیر» را ساقط کرد و قدرت را قبضه نمود و در عین حال قول داد تا در ۷ ماه آینده انتخاباتی تحت نظارت این شورا برگزار گردد. قصد شوم نظامیان بسیار نخبه‌مآست. آنها می‌خواهند هرچه زودتر از طریق یک انتخابات دست‌کاری شده و قلبی مشروعیت خود را به دست آورند. اما در یک سودان آزاد و دموکراتیک بدون تردید دستگاه قضائی جنرال‌های جنایت‌کار، فاسد، دزد و همدستانشان را در مقابل دادگاه قرار خواهد داد. باید آنها را به خاطر نسل‌کشی و جنایت در سودان در درون سودان و بدون مداخله مودیانۀ خارجی به محاکمه کشید و محکوم کرد.

آنها قول انتخابات آزاد می‌دهند ولی به قطع اینترنت مبادرت می‌ورزند. آنها با نمایندگان معترضان روی همین مباحث به مذاکره می‌نشینند، ولی دستور دستگیری‌های همان نمایندگان را صادر می‌کنند. گرچه «عبدالفتاح بورهان»، رئیس شورای نظامی فعلی سودان، قول داده است که انتخابات تحت نظارت ملی و بین‌المللی باشد، ولی اپوزیسیون کماکان خواهان تأسیس شورای موقت است. آنها معتقدند که ارتش (نیروی ۴ گانه)، کودتا کرده است. کمیته معترضان مردم را به اعتصاب عمومی دعوت می‌کند. در اصل مخالفان کودتاگران خواهان تشکیل یک دولت موقت غیرنظامی‌اند و مایل‌اند که حداکثر طی ۳ سال آینده انتخابات برگزار شود. زیرا پس از حاکمیت سی و چند سال دیکتاتوری «عمرالبشیر»، زمان لازم است تا اولاً احزاب تشکیل شوند و ثانیاً قادر باشند با تحکیم پایه‌های خود و ریشه‌دواندن در میان مردم همراه با حضور مطبوعات و رسانه جمعی آزاد در جامعه سیاست‌مداران لایقی را عرضه کنند که در ترکیب قدرت سی و چند ساله گذشته حضور نداشته‌اند. به دیگر سخن انقلاب سودان ادامه دارد. خوشبختانه سودان هنوز به سرنوشت لیبیا و سوریه دچار نشده است. یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه انقلاب سودان، دخالت‌ها و حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم دول ذینفع در این کشور است.

زمانی که در آوریل سال جاری نظامیان «عمرالبشیر» را از سریر قدرت به زیر کشیدند، ابتداء ارتشبد «عوض بن عوف» که قبلاً وزیر دفاع «عمرالبشیر» بود، به عنوان رئیس «شورای نظامی انتقالی» منصوب شد و عملاً دولت به دست ارتش افتاد. این «شورا» قبل از هر چیز کابینه را منحل ساخت. اما مردم بسادگی حاضر نبودند زیر بار این جابه‌جائی قدرت بروند و بلافاصله با طرح شعار «دومی هم باید برود» عملاً مخالفت خود را با حکومت نظامیان اعلام کردند. لازم به یادآوری است که همین «بن عوف» یکی از گردانندگان و موافقان شرکت سودان در ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در تجاوز به یمن بود و به همین دلیل درجه نظامی خود را در حالی که بازنشسته بود، مجدداً دریافت کرد و به عنوان وزیر دفاع درصدد تقویت و تجهیز ارتش سودان جهت تجاوز به یمن برآمد. سودان با گرفتن مبالغ گزافی از عربستان سعودی به دوستی و نزدیکی‌اش با دولت ایران پایان داد و نظامیان سودانی و کودکان مسلح را برای همکاری با عربستان سعودی به یمن اعزام داشت. لیکن با این سابقه امر گرچه «عمرالبشیر» وابسته به عربستان بود، ولی به دلایل نزدیکی چند ساله با «بشار اسد» و نیز اعلام بی‌طرفی در مسأله نزاع عربستان سعودی با قطر، و بی‌طرفی نسبت به سیاست ترکیه که مخالف عربستان سعودی است، عملاً به مهره «سوخته» تبدیل شد. به همین دلیل گرچه «البشیر» چهار هزار سرباز برای سرکوب حوثی‌ها فرستاده بود، ولی عربستان به آنها به عنوان نیروی مزدور می‌نگریست و نه یک نیروی متحد! عربستان و امارات از آن بیم داشتند که با سقوط «عمرالبشیر» قدرت به دست غیر نظامیان مردمی بیفتد و مسأله شرکت سربازان سودانی در جنگ یمن زیر علامت سؤال رود. زیرا که عقب‌نشینی نیروهای سودان از یمن می‌تواند باعث شکست ائتلاف در جنگ علیه مردم یمن گردد. به همین دلیل رئیس شورای نظامی معاون خود را به عربستان و امارات فرستاد، تا اعلام کند که سودان از عربستان در برابر ایران و «انصارالله» یمن حمایت می‌کند و از «کمک‌های نظامی سران سعودی به سودان تشکر و تقدیر کرد»!

«عربستان مایل است که شورای نظامی قدرت را به دست گیرد، زیرا رهبران ریاض از طریق «عبدالفتاح بورهان»، رئیس جدید شورا و «داگاتو»، معاون او در سودان نفوذ دارند. این دو نظامی نه تنها از ائتلاف تحت رهبری عربستان در جنگ یمن حمایت می‌کنند، بلکه میان سودان و قطر و امارات مصالحه‌جویی می‌کنند». (بنیاد علم و سیاست - برلین). از اینرو رهبران عربستان سعودی مخالف سرسخت یک ائتلاف مردمی در سودان هستند.

عربستان در عین حال نگران نفوذ اخوان المسلمین نزدیک به ترکیه و قطر در سودان است. در این رابطه «جنرال السیسی»، رئیس جمهور کودتای مصر، که خود «مُرسی»، عضو جنبش اخوان المسلمین را از تخت ریاست جمهوری به زیر کشید، نیز با سران سعودی همداستان می‌باشد، زیرا وی نیز نگران قدرت‌یابی اخوان المسلمین در سودان است. مصر نیز در عین حال دارای منافع ژئوپلیتیک در سودان می‌باشد. زیرا ممکن است که اختلاف بر سر «مثلث حلاپت» (منطقه‌ای که با مصر و سودان هم‌مرز است و در عین حال در ساحل نیل قرار دارد) به علت اختلاف مصر و ایتوپی بر سر رود نیل بالا بگیرد و مصر به یک شریک قابل اعتماد در سودان نیاز پیدا کند. از اینرو مصر نیز برای نفوذ میان حکومت سرهنگان در سودان در تکاپوست. در این میان اسرائیل نیز در پی آن است که در سودان جنوبی نفوذ پیدا کرده و در سرچشمه رود نیل این شاه‌رگ حیاتی که سودان و مصر را آبیاری می‌کند در زمان لازم اخلاص کند. علاوه بر اینها تنگه «باب‌المنذب» (به فارسی تنگه اشک‌ها) که در جنوب بحیره سرخ واقع شده است و آن را از یکسو ابتداء به خلیج عدن و سپس بحیره عرب و اقیانوس هند وصل می‌کند، از سوی دیگر این امر را ممکن می‌گرداند که کشتی‌هایی که از اقیانوس هند می‌آیند پس از گذر از این تنگه به بحیره سرخ و از آنجا از طریق کانال سوئز به مدیترانه راه یابند. به این جهت این تنگه دارای نقش ستراتیژیک بسیار مهمی برای امپریالیست‌ها و کشورهای منطقه به ویژه عربستان و امارات است. بی‌جهت نیست که چین در جیبوتی و آمریکا در عربستان، قطر، امارات و آبهای منطقه پایگاه‌های زمینی و بحری مستقر کرده‌اند. زیرا که باب‌المنذب میان یمن در شبه جزیره عربستان و جیبوتی و اریتره در شاخ افریقا قرار دارد. همین موقعیت ستراتیژیک کشور یمن است (منهای مخازن نفتی که زیر زمین این کشور حدس زده می‌شود) که عربستان و ائتلافش را به نیابت از جانب آمریکا در این کشور به جنابت علیه بشریت و نسل‌کشی واداشته است. در این نسل‌کشی صدائی از دادگاه کیفری لاهه شنیده نمی‌شود زیرا کشتن نسل‌ها بر اساس مصالح آنها مجاز است. برای مثال در سال ۲۰۰۶ روزانه ۳،۲ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور کرده است. سودان نیز که در ساحل بحیره سرخ قرار گرفته است، از موقعیت ژئوپلیتیک مهمی برخوردار است. از آنجا که ارتجاع و امپریالیسم، اهداف و نیات پلید خود را با یک حکومت دیکتاتوری نظامی بهتر به پیش می‌برند، هر یک به نوبه خود می‌کوشند که در حکومت سرهنگ‌ها در سودان نفوذ کرده و از آنها در راستای مقاصد خویش حداکثر استفاده را ببرند. به همین دلیل این نیروهای اهریمنی مخالف گسترش انقلاب و روی‌کار آمدن احتمالی یک دولت مردمی و دموکراتیک در این کشور هستند و باز به همین دلیل در مقابل جنایات حکومت سرهنگ‌ها در سودان سکوت اختیار کرده‌اند.

سازمان‌های حقوق بشر از اتحادیه اروپا بارها انتقاد کرده‌اند که این اتحادیه به هیچ وجه خواهان برقراری یک حکومت دموکراتیک در سودان نیست، بلکه به عکس مشغول معامله و بستن معاهده با شیطان است. این سازمان‌ها اروپا را متهم می‌سازند که برای بستن مسیر به روی پناهندگان و جلوگیری از هجوم آنان به اروپا با حکومت سرهنگ‌ها عهد مودت بسته‌اند و عملاً پیشیزی برای مردم تحت ستم دیکتاتوری نظامی ارزش قائل نیستند. به همین منظور حتی اروپا طی سال‌های گذشته میلیون‌ها یورو به «عمرالبشیر»، دیکتاتور کمک مالی کرد. به این ترتیب حکومت منفور سودان، که به نسل‌کشی و سرکوب و فساد متهم بود، به یک شریک محترم در امر جلوگیری از هجوم پناهندگان به اروپا تبدیل شد و این روند از بعد از روی کار آمدن حکومت جدید نیز ادامه دارد. از جانب دیگر ترکیه با «عمرالبشیر» قرارداد تأسیس

پایگاه نظامی بسته بود، که به هیچ وجه مورد خوشایند عربستان، امارات و مصر نبود. جزیره «سواکن» بعد از سومالی برای ترکیه اهمیت ستراتیژیک دارد- و در گذشته نیز قسمتی از امپراتوری عثمانی بود-، لذا اردوخان سعی دارد از این طریق در بحیره سرخ نقش بیشتر و مؤثرتری ایفاء کند. این امر بدون تردید منافع عربستان، امارات و مصر را تهدید می‌کند. به ویژه این که ترکیه هم در لیبیا و هم در قبرس حضور فعال دارد.

کوتاه سخن این که امپریالیسم و ارتجاع جهانی در رقابت با یک دیگر در منطقه خاورمیانه و شاخ افریقا «هر یک از ظن خود یار» سودان گشته‌اند! بحرانی که در سودان به وجود آمده است را تنها می‌توان با درک تضادهای منطقه‌ای روشن کرد و منافع مردم را از منافع ارتجاع و امپریالیسم تفکیک نمود. بحران سودان نشان می‌دهد که امپریالیستها تا به چه حد در ایجاد تزلزل در کشورها، تلاشی و چپاول آنها فعال اند. ایجاد تفرقه و تسلط بر پرچم امپریالیسم نوشته شده است.

برگرفته از توفان شماره ۲۳۳ مرداد ماه [اسد] ۱۳۹۸- جولای سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org